

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران  
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۲  
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۱-۹

## تحلیل استعاری مفهوم‌سازی فعالان زن ایرانی از «زن‌بودگی» در اینستاگرام

عبدالله بیچرانلو<sup>۱</sup>

زهره بوالی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

### چکیده

با مطالعه عبارات استعاری در یک زبان درمورد زن و «زن‌بودگی» می‌توان به شناخت نظام ادراکی حاکم بر ذهن گویش‌وران آن زبان در این خصوص دست یافت. با تشدید روندهایی مانند شبکه‌های‌شدن و گسترش روزافزون بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، فعالان زن نیز از این رسانه‌ها در جهت اهداف خود بهره می‌گیرند. هدف این مقاله، تحلیل استعاری مفهوم‌سازی فعالان زن ایرانی از زن‌بودگی در اینستاگرام و چگونگی ادراک تجربه زن‌بودگی توسط آنان از طریق شناخت استعاره‌های محوری است که معانی آن را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. برای دستیابی به هدف مذکور، با بهره‌گیری از رویکردهای زبان‌شناسی شناختی، به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شده است: مقوله مفهومی زن و تجربه زن‌بودگی چگونه توسط فعالان زن ایرانی در اینستاگرام معناسازی شده است و برساخت معنایی این فعالان زن از مفهوم زن چیست؟ فعالان زن چگونه درباره مفهوم زن می‌اندیشند و بر مبنای آن به کنش می‌پردازند و چه معنایی از زن‌بودگی را با مخاطبان خود در اینستاگرام به اشتراک می‌گذارند؟ با تحلیل مضامین و محتوایی که ۴۰ فعال زن در اینستاگرام به اشتراک گذاشته‌اند، ۱۶۰ استعاره مفهومی استخراج شد. این استعاره‌های مفهومی حول سه محور عمده شکل گرفته است: ۱. بازنمایی وضعیت کنونی زنان در جامعه ایرانی و گفتمان مسلط مردسالاری؛ ۲. نفی سنت‌های مردسالارانه در جامعه ایرانی و مفهوم‌سازی سلبی از زن‌بودگی؛ ۳. معنادهی به تجربه زن‌بودگی به صورت عمومی.

**واژه‌های کلیدی:** استعاره مفهومی، اینستاگرام، زن، فعالان زن، کنشگری.

۱. استادیار ارتباطات دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، bikaranlou@ut.ac.ir  
۲. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه تهران، تهران، ایران zbavali@gmail.com

## مقدمه و طرح مسئله

در سال‌های نخستین مشروطه، زنان برای ارائه دیدگاه‌های خود به‌ویژه در حوزه زنان، به‌صورت مستقل به انتشار نشریات زن‌نگار پرداختند. فعالان زن ایرانی روزهای پرفرازونشیبی را در این سال‌ها گذرانده‌اند. زنان از همان ابتدای مشروطه به‌صورت آگاهانه و هدفمند با تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های مخصوص و نیز تأسیس مدارس دخترانه در جهت بهبود اوضاع زنان و احقاق حقوق اجتماعی خود، دست به فعالیت/اقدام عملی/کنشگری زدند. آن‌ها همچنین با انتشار مقالات و نوشته‌ها در مطبوعات عمومی، و تولید و توزیع نشریات مختص به زنان، به بیان خواسته‌ها و ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. این زنان عموماً از هنجارهای مربوط به زنان و مناسبات جنسیتی جامعه که بر مبنای فرودستی زنان است، انتقاد کرده و از نابرابری‌های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی سخن گفته‌اند.

با این حال، فعالیت زنان در رسانه‌های جمعی زن‌نگار در حدود صدسال گذشته عموماً نخبه محور بوده است و با وجود تلاش برای به‌دست‌آوردن مخاطبان متنوع، درنهایت این رسانه‌ها صدای جمعیت خاصی از گروه خاموش زنان بوده و روی آنان تأثیر گذاشته‌اند. علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای، به‌طورکلی، عرصه عام کنشگری نیز عموماً نخبه‌محور بوده است. فعالان زن به‌ویژه پیش از دوران رسانه‌های اجتماعی، به‌سختی و با وجود مرارت‌ها و ناملایمات، با ایجاد گفتمانی حاشیه‌ای ضدگفتمان مسلط، حقی حداقلی برای ارائه روایت خود از مسائل زنان به‌دست آورده بودند، اما با توجه به امکانات موجود و محدودیت‌ها، این صدا به‌وضوح به گوش جامعه نمی‌رسید و با توجه به اینکه بستری برای تعامل با همه زنان وجود نداشت، گاه صدای اغلب زنان ایرانی نیز در این گفتمان شنیده نمی‌شد. امروزه با تشدید روندهایی مانند شبکه‌ای و همگانی شدن فضای مجازی به‌ویژه گسترش روزافزون بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی توسط زنان فعال در زمینه حمایت از حقوق زنان و نیز زنانی از اقشار گوناگون جامعه، به‌مثابه کاربر شبکه‌های اجتماعی، اوضاع مربوط به بحث از وضعیت زنان در سراسر جهان از جمله در ایران دگرگون شده است. با ظهور اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، معنای کنشگری توسعه یافته است و فعالیت‌های متنوع‌تری را دربرمی‌گیرد. همچنین عرصه تولید محتوا، از مطبوعات و نشریات ادواری و مخاطبان خاصشان فراتر رفته است؛ به‌طوری‌که اساساً اتکا به رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، از ویژگی‌های مهم جنبش‌های نوین اجتماعی شمرده شده است. درواقع یکی از مهم‌ترین دلایل اوج‌گیری دوباره جنبش‌های اجتماعی جدید، تحولات فناوری‌های ارتباطی است (سردارنیا، ۱۳۸۸). گسترش رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در دو دهه اخیر، پیامدها و آثار فرهنگی، اجتماعی و... گسترده‌ای دربرداشته است. از این‌رو به جامعه برآمده از این تحولات فناورانه، فرهنگی، اجتماعی و... جامعه شبکه‌ای نامیده

شده است. «جامعه شبکه‌ای، جهانی است و با مجموعه‌ای متکثر از فرهنگ‌هایی که تاریخ و جغرافیای هر نقطه از دنیا را به یکدیگر متصل می‌کنند، سروکار دارد و آن‌ها را با یکدیگر تلفیق می‌نماید» (کاستلز، ۱۳۹۶: ۴۹). براساس آخرین آمار منتشرشده در سال ۲۰۲۲، ایران با ۷۱/۹۴ درصد، از نظر تعداد کاربران چهاردهمین کشور اینترنت محسوب می‌شود (استاتیستا، ۲۰۲۲). امروزه عمده‌ترین کاربری اینترنت را رسانه‌های اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند. شبکه اجتماعی اینستاگرام پس از فیسبوک (متا)، یوتیوب و واتس‌آپ، چهارمین رسانه اجتماعی از نظر شمار کاربران در جهان است که حدود یک‌ونیم میلیارد کاربر دارد (استاتیستا، ۲۰۲۲). دو ویژگی شبکه‌های اجتماعی از جمله تعاملی‌بودن و تولید و مبادله محتوا توسط کاربران -فارغ از الزامات جنسیتی، طبقاتی، قومی، نژادی و مکانی- فضای نوینی را برای کنشگری و به‌خصوص امکان تکثر و چندصدایی فراهم کرده است. زنان ایرانی به‌صورت گسترده کاربر شبکه‌های اجتماعی هستند؛ به‌گونه‌ای که براساس آمار منتشرشده، در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۸ میلیون کاربر ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام فعالیت داشته‌اند (بتا، ۱۴۰۰) که بیش از ۵۰ درصد آن‌ها زنان بوده‌اند. بدین ترتیب عرصه کاملاً جدیدی به‌منظور تولید محتوا برای عموم زنان و تعامل با ایشان، در اختیار فعالان زن ایرانی قرار گرفته است.

پژوهشگران عرصه مطالعات فرهنگی و زنان، درخصوص مطالبات و مسائلی که فعالان زن مطرح کرده‌اند و همچنین نحوه کنشگری آن‌ها در فضای مجازی، به نتایج ارزشمندی دست یافته‌اند، اما یکی از محورهای نسبتاً مغفول در این زمینه، پاسخ به پرسش‌هایی فارغ از اهدافی است که فعالان زن در پی دستیابی به آن هستند: فعالان زن مقوله مفهومی زن و تجربه زن بودگی را چگونه معناسازی کرده‌اند و برساخت معنایی آن‌ها از مفهوم زن چیست؟ آن‌ها چگونه درباره مفهوم زن می‌اندیشند و برمبنای آن به کنش می‌پردازند؟ فعالان زن چه معنایی از زن‌بودگی را با مخاطبان بالقوه گسترده و متکثرشان در این بستر به اشتراک می‌گذارند؟

نظریه استعاره مفهومی<sup>۱</sup> ابزار مناسبی برای پاسخ به این پرسش و مطالعه فرایند معناسازی در اختیار قرار می‌دهد. لیکاف<sup>۲</sup> و جانسون<sup>۳</sup>، زبان‌شناسان شناختی، با ارائه نظریه استعاره مفهومی در سال ۱۹۸۰، استعاره را یکی از مهم‌ترین ابزارهای معناسازی ذهن انسان و مبنای شیوه درک ما از جهان می‌دانند. «نظام مفهومی متعارف ما که به‌موجب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، اساساً دارای سرشتی استعاری است» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵). برخلاف مطالعات کلاسیک درباره استعاره و تصور عمومی، استعاره امری ذهنی و مربوط به اندیشه است، نه

1. Conceptual metaphor theory (CMT)

2. George Lakoff

3. Mark Johnson

صنعتی ادبی یا پدیده‌ای زبانی. نقش اساسی استعاره، فراهم‌ساختن درک نسبی از نوعی تجربه با نوع دیگری از تجربه است. این می‌تواند شامل شباهت‌های منحصر به فرد از پیش موجود، خلق شباهت‌های جدید و شباهت‌های بیشتری باشد (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵)؛ به این معنا که در جریان استعاره هم معانی موجود توسعه می‌یابند و هم معانی جدیدی آفریده می‌شوند. بر همین مبنا، به‌کارگیری دقیق زبان و استعاره می‌تواند به اندیشه و انگیزه مخاطبان جهت دهد و زمینه‌ای را برای تغییر اجتماعی ایجاد کند (بیچرانلو و پورعزت، ۱۳۹۲). یکی از اصلی‌ترین نمودهای استعاره‌های مفهومی، عبارات استعاری هستند. «می‌توان زبان را در تشخیص الگوهای مفهومی کلی به‌مثابه ابزاری بسیار معتبر تلقی کرد و این الگوهای مفهومی کلی سرخ بسیار خوبی از آنچه در ذهن رخ می‌دهد به ما ارائه می‌دهند» (کوچش<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۲۱۴). از طریق استخراج استعاره‌های مفهومی می‌توان به چگونگی تجربه و ادراک یک مفهوم پی برد. پی‌بردن به چگونگی ادراک فعالان زن از تجربه زن‌بودگی، در شبکه اجتماعی اینستاگرام موجب فهم جامع‌تری از کنشگری ایشان خواهد شد. همچنین توجه فعالان زن به دامنه حوزه‌های مبدأ انتخابی برای حوزه هدف زن می‌تواند تا حدودی نشان‌دهنده تک‌صدایی یا تکثر در معناسازی تجربه زن‌بودگی باشد.

براین اساس، پژوهش پیش‌رو با نگاهی اکتشافی در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است: ۱. فعالان زن ایرانی چگونه مفهوم زن و تجربه زن‌بودگی را در شبکه اجتماعی اینستاگرام به‌صورت استعاری معناسازی می‌کنند؟ ۲. چه حوزه‌های کلان مفهومی برای مفهوم‌سازی زن در زبان فعالان زن ایرانی بیشترین کاربرد دارد؟ ۳. فعالان زن از چه حوزه‌های مبدائی برای حوزه هدف زن استفاده کرده‌اند و پیامدهای آن چیست؟

### پیشینه پژوهش

در زمینه کنشگری فعالان زن ایرانی در شبکه‌های اجتماعی، صفحه فیس‌بوک «آزادی‌های یواشکی» توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. کو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش خود در کنار تجزیه و تحلیل پست‌ها و نظرها در این صفحه، به مصاحبه‌های کیفی با زنان ایرانی پرداخت تا زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در مورد پدیده جنبش‌های اجتماعی آنلاین را نیز در نظر داشته باشد. وی با بررسی گفتمان‌های آنلاین و آفلاین در مورد استفاده زنان ایرانی از حجاب، تعامل جنبش زنان ایران با رسانه‌های اجتماعی را مطالعه کرد و در نهایت بر مبنای یافته‌های پژوهش به این نتیجه رسید که شبکه‌های اجتماعی بر ادراک و گرایش‌های سیاسی کاربران ایرانی تأثیر

1. Zoltan Kovacs  
2. Gi Yeon Koo

می‌گذارند. اگرچه این صفحه ممکن است اکثریت زنان ایرانی را شامل نشود، به‌عنوان یک جنبش آنلاین، ارزش خود را در این می‌یابد که به بستر جدیدی برای زنان تبدیل شده است تا صدای خود را در حوزه عمومی بالا ببرند.

طالبیان و طالبیان (۱۳۹۶) نیز با تحلیل محتوای کیفی عکس‌ها و شرح عکس‌های این صفحه فیس‌بوکی، در بازه زمانی یک‌ساله مضامین و ویژگی‌های عمده و مشترک این عکس‌ها را استخراج کردند و آن را مطابق مفهوم کنشگرنامی دانستند؛ استفاده زیاد از فناوری همراه با مشارکت بسیار پایین برای رسیدن به اهداف. از نظر آن‌ها این صفحه با توجه به ویژگی‌هایش، ظرفیت سازمان‌دهی یک جنبش اجتماعی واقعی ضد حجاب ندارد. این صفحه فیس‌بوکی همچنین اثر سیاسی یا اجتماعی معناداری بر جهان واقعی ندارد و تنها ممکن است از طریق سازوکاری مانند برساخت هویت خاص زنانه، در تحولات درازمدت اجتماعی نقشی داشته باشد. مسعودی (۱۳۹۷) به مطالعه محتوای پیام‌های زنان کنشگر در کمپین چهارشنبه‌های سفید در اعتراض به قانون حجاب در شبکه اجتماعی اینستاگرام، پرداخت. در این پژوهش، عکس‌ها و فیلم‌های ارسالی به این کمپین و نظرهای دنبال‌کنندگان صفحه، به روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شدند. یافته‌های این تحقیق نشان داد پیام‌های زنان کنشگر کمپین چهارشنبه‌های سفید برمبنای عدالت اجتماعی، ابراز مخالفت، سنت‌شکنی و دموکراسی غربی شکل گرفت و مبنای اصلی پیام‌ها، رسیدن به دموکراسی غربی از طریق مخالفت با سنت حاکم بر جامعه و حمایت از آزادی زنان به سبک غرب بوده است.

در میان پژوهش‌های مرتبط با مفهوم‌سازی استعاری زن توسط خود زنان، شایان ذکر است که در هیچ‌یک از پژوهش‌های متمرکز بر زبان فارسی، بافت واقعی و کارکردی زبان فارسی در نظر گرفته نشده است و عموماً به مطالعه استعاره زن در متون ادبی معاصر پرداخته‌اند.

در این میان، ابوعلی شبانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «استعاره‌های مفهومی جنسیت در بافت ایرانی، با رویکرد زبان‌شناسی شناختی» به مطالعه مجلات عمومی پرداخت. این پژوهشگر با تحلیل ۱۵۰۰ مقاله در طول هفت سال از ده مجله عمومی ایرانی، به استخراج استعاره‌های مفهومی درباره مردان و زنان پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان داد حوزه‌های منبع رایج مورد استفاده در هردو نوع گفتمان، برای مفهوم‌سازی زنان و مردان متفاوت است. در مجلات ایرانی عموماً زنان به‌عنوان بازیگر، کلاه و گیاه و مردان به‌مثابه بازیگر، سرپرست و ارباب مفهوم‌سازی شده‌اند؛ درحالی‌که دانشجویان مورد بررسی، زنان را به‌طور عمده به‌عنوان بخشی از طبیعت مانند آسمان، باران، خورشید، گل‌دان و فرشته در نظر گرفتند و مردان را به‌عنوان بخشی از طبیعت مانند کوه، ماه، سنگ، ساختمان یا بخشی از آن مانند قلعه، سقف، دیوار و حیوان مفهوم‌سازی کردند.

در میان پژوهش‌های خارجی نیز احمد (۲۰۱۸) با تحلیل صد مقاله از نویسندگان زن که در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ در پنج روزنامه نیجریه منتشر شده بود، به مطالعه استعاره‌هایی پرداخته که آن‌ها برای توصیف زنان به کار برده بودند. احمد با ارائه تحلیلی از ۳۳۹ استعاره استخراج شده از این مقالات عقیده داشت زنان نیجریه هنوز از عبارات استعاری استفاده می‌کنند که مطابق با ایدئولوژی جنسیتی غالب در جامعه شامل تسلط مردان و فرودستی زنان است. استفاده پربسامد از حوزه‌های مبدئی نظیر کالا یا مدیران خانه، همراهی زنان را با هم‌مونی مردسالارانه نشان می‌دهد و توضیحی بر این ادعا است که ایدئولوژی‌های جنسیتی غالب در جامعه بر نحوه درک افراد از خویشتن تأثیر می‌گذارند.

زبیر (۲۰۰۷) نیز در مطالعه خود با عنوان «پرنندگان خاموش: ساختارهای استعاری سواد و هویت جنسیتی در گفتار زنان»، به تحلیل و بحث در مورد زبان مجازی مورد استفاده نسل‌های مختلف زنان پاکستانی شهری و روستایی در حین صحبت درباره سواد و هویت جنسیتی خویش، پرداخت. داده‌های این پژوهش کاملاً تصادفی و طبیعی بودند و طبق یافته‌های پژوهش، زنان گفتمان جنسیتی مسلط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و آن‌ها را به مثابه «دیگری» در فرهنگ مردانه مسلط، نشان می‌دهد، زیر سؤال می‌برند و به چالش می‌کشند. به نظر می‌رسد آن‌ها مشتاق به عهده گرفتن نقش‌ها، مسئولیت‌ها، هویت‌های پیچیده و رقابتی جدید باشند. زنان جوان شهری نیز از طریق ایجاد گفتمان‌های جایگزین، در تلاش‌اند صدا و عاملیتی برای خود بیابند. یافتن راه و یافتن صدا، استعاره‌های اصلی هستند که جوهر این مبارزه را در بر می‌گیرند.

### مبانی نظری

چرخش زبانی<sup>۱</sup> که با نظریات ویتگنشتاین<sup>۲</sup>، فیلسوف نیمه اول قرن بیستم، به اوج خود رسیده بود، نگرش عمده به زبان را در سنت فلسفی دگرگون کرد. وی با طرح «بازی‌های زبانی»<sup>۳</sup> معنای یک واژه را مبتنی بر کاربرد آن در زبان و کاربرد زبان را یک کنش می‌داند (ویتگنشتاین، ۱۳۹۷). در این چرخش زبانی، رابطه واقعیت و زبان زیر سؤال رفته و در این اصل که واقعیتی در بیرون وجود دارد که زبان آن را بازمی‌تاباند، تردید ایجاد شده است. علاوه بر ویتگنشتاین، دیدگاه‌های پسامدرن بر ساخت‌گرایی اجتماعی<sup>۴</sup> و پساساختارگرایی<sup>۵</sup>، از جمله رویکردهای تأثیرگذار در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در صورت‌بندی مسئله زبان هستند.

1. linguistic turn
2. Ludwig Wittgenstein
3. The theory of language games
4. Social constructivism
5. Post-structuralism

یکی از مفروضات اصلی برساخت‌گرایان، پافشاری بر این امر است که دانش ما به جهان را نباید حقیقتی عینی و بی‌طرفانه به‌شمار آورد، بلکه محصول مقوله‌های زبانی است. زبان ما مجموعه مفاهیم و مقولاتی را فراهم می‌آورد که چارچوبی معنایی برای اندیشیدن ما مهیا می‌کند. در واقع با مفاهیم موجود در زبانمان واقعیت برساخته می‌شود (بر، ۱۳۹۴). پیوند میان مفاهیم موجود در «ذهن» ما و زبان، ما را قادر می‌سازد تا معنا را منتقل کنیم. به‌طور کلی ما با استفاده از زبان، تجارب خود را معنادار می‌کنیم. معنا در زبان و از طریق زبان، و در جریان هر کنش متقابل شخصی و اجتماعی که در آن مشارکت می‌کنیم، تولید و مبادله می‌شود (هال، ۱۳۹۱). زبان صرفاً توصیف‌کننده جهان نیست، شیوه اندیشیدن ما است. به این معنا که همان مجموعه مفاهیم و مقولاتی را که چارچوبی معنایی برای ما مهیا می‌کند، زبان ما فراهم می‌آورد. ما فقط با مفاهیم موجود در زبانمان می‌توانیم تجربه‌هایمان را برای خود و دیگران ترسیم کنیم. این مقوله‌ها و چارچوب‌های مفهومی پیش از آنکه ما متولد شویم، وجود دارند و اهالی فرهنگ آن‌ها را استفاده می‌کنند؛ بنابراین فرایند برساخت به‌صورت فردی نیست. زبان پدیده‌ای اساساً اجتماعی است و میان مردم پدید می‌آید (بر، ۱۳۹۴). از طرفی در این دیدگاه «زبان شفاف نیست». مفاهیم مورد استفاده ما برای سازمان‌دهی به تجربه ما از جهان و خود ما، بر زبان مقدم نیستند، بلکه با همین زبان امکان‌پذیر می‌شوند. به عقیده برساخت‌گرایان و پساساختارگرایان، معنای برساختی اجتماعی و زبان، در مرکز فرایند برساخت است. با مفاهیم موجود در زبانمان واقعیت برساخته می‌شود و اساساً خارج از زبان، هیچ حقیقت، سوژه یا هویتی وجود ندارد. دسترسی ما به واقعیت، از طریق زبان است و به‌دلیل اینکه زبان به‌نحوی بنیادین بی‌ثبات است، معنا به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند؛ برای مثال، «زنانگی امر جهان‌شمول ثابتی نیست، بلکه توصیفات زبانی هستند که از طریق قراردادهای اجتماعی به‌مثابه حقیقت پنداشته می‌شوند. جنسیت با شیوه‌ای که ما درباره آن سخن می‌گوییم و آن را اجرا می‌کنیم، ساخته می‌شود» (بارکر، ۱۳۹۶). نزاع اساسی گفتمان‌های موجود در یک جامعه، بر سر تثبیت معنا است.

رویکرد زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup> که در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع شد، ابزاری برای توصیف چگونگی معناسازی انسان و درک بهتر نظام مفهومی او در اختیار می‌گذارد. زبان‌شناسان شناختی اساساً استدلال را تخیلی و خلاقانه می‌دانند و از این طریق به تعبیرهای جایگزین معتقدند. از نظر آن‌ها ما با مفهوم‌سازی، جهان را معنا می‌کنیم. واقعیت از طریق عملیات تعبیری خلاقانه، به طرق مختلف مفهوم‌سازی می‌شود. «یکی از فرض‌های پایه‌ای زبان‌شناسی

شناختی این است که به بیان لانگاکر<sup>۱</sup>، معنی، مفهوم‌سازی است. این فرض این دیدگاه را به چالش می‌کشد که معنا کاملاً شرط-صدق است» (کرافت و کروز، ۱۳۹۸: ۶۴). همه فرایندهای شناختی در معناسازی در خدمت انسان هستند؛ برای اینکه به تجربه خود - از جمله به زبان خود- معنا بدهد. زبان‌شناسی شناختی را زبان‌شناسانی به وجود آوردند که منتقد تمرکز زبان‌شناسی زایشی<sup>۲</sup> چامسکی<sup>۳</sup> بر صورت بودند. آن‌ها معنا را در مرکز هرگونه مطالعه زبان قرار می‌دهند، معنی را پدیده‌ای شناختی و نیز متضمن چشم‌اندازنگری می‌دانند و به‌نوعی معنی بافتی و منعطف در کاربرد باور دارند (گیررتس، ۱۳۹۳). به تعبیر کوچش (۱۳۹۶)، از زبان‌شناسان شناختی متأخر، «معنی‌سازی یک اقدام تعاونی است که همواره در مجموعه بزرگی از بافت‌ها (از بلافصل تا پس‌زمینه) روی می‌دهد».

زبان‌شناسی شناختی به اذعان لانگاکر، واحد نشانه سوسور را برای مطالعه زبان می‌پذیرد، اما تمرکز عمده این رویکرد بر مفهوم‌سازی است. «معنی زبانی در مفهوم‌سازی است که پویا، برهم‌کنشی، زبانی و تخیلی است» (لانگاکر، ۱۳۹۷). مفاهیم نقش مهمی در شناخت ایفا می‌کنند و اساساً واحدهای اندیشه و عمل هستند. مفاهیم، بازنمایی‌های ذهنی جهان هستند که از تجربیات مستقیم و غیرمستقیم انسان حاصل و با واژه‌ها نمادسازی می‌شود. مفاهیم ما ساختار آنچه را که درک می‌کنیم، شکل می‌دهند و چگونگی حرکت ما در جهان و رابطه‌مان با دیگران را تعیین می‌کنند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵). به عقیده زبان‌شناسان شناختی، معنای مفهومی این امکان را فراهم می‌آورد که به چگونگی معنادار شدن زبان پی ببریم. مفهوم‌سازی از نظر آن‌ها می‌تواند در دل پردازش شناختی، نهفته باشد. ما تعداد نسبتاً اندکی از فرایندهای شناختی یکسان را برای معنابخشیدن به تجربه خود به کار می‌بریم. این فرایندها امکان فهم معنا در زبان را برای ما فراهم می‌کنند (کوچش، ۱۳۹۵: ۵۲۷). البته ماهیت درک ما از جهان، فعال، پویا و سازنده است و معانی زبانی غیرشفاف‌اند و به شیوه‌ای ساده و سراسر جهان را بازنمی‌تابانند یا با آن متناظر نیستند؛ بنابراین معنا هم با فرایندهایی شناختی (و ابزار تخیلی) و هم از طریق برهم‌کنش ارتباطی در محیط اجتماعی- فرهنگی شکل می‌گیرد. در واقع معنای زبانی هم شامل محتوای مفهومی و هم تعبیر تحمیل‌شده بر آن مفهوم است (لانگاکر، ۱۳۹۷: ۸۱). طرح مفهوم تعبیرهای جایگزین به معنای آن است که زبان‌شناسان شناختی نیز قائل به چندگانگی ذاتی معنا هستند؛ البته با قیود شناختی که در این رویکرد وجود دارد. به‌طور کلی در این دیدگاه، فرهنگ‌های خاص متشکل‌اند از فرایندهای معناسازی خاصی که گروهی از مردم

---

1. Ronald Langacker  
2. Generative grammar  
3. Noam Chomsky



به‌کار می‌برند. به عبارت دیگر فرهنگ‌های خاص، شامل یک نظام مفهومی خاص یا مجموعه خاصی از معانی هستند که گروهی از مردم به‌وجود آورده‌اند (کوچش، ۱۳۹۵: ۵۴). در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌سازی فرایندی است که به‌منظور درک کردن چیزی (حوزه تجربه) براساس چیز دیگر (حوزه دیگر تجربه) به‌کار گرفته می‌شود. معنای استعاری به‌وسیله یک مجموعه نگاشت یا تناظر میان عناصر دو حوزه ساخته می‌شود. لیکاف و جانسون (۱۳۹۶)، دو زبان‌شناس پیشرو در مطالعات استعاره، با طرح نظام‌مند نظریه استعاره مفهومی، حوزه‌های از تجربه را که برای درک حوزه دیگر به‌کار می‌رود و درواقع حوزه مبدأ و حوزه‌های که می‌خواهیم آن را درک کنیم، حوزه هدف (مقصد) نامیده‌اند. حوزه مبدأ به‌طور کلی، عینی‌تر و تجربه آن مستقیم‌تر و شناخته‌شده‌تر، و حوزه هدف به‌طور کلی، انتزاعی‌تر و بخش عمده‌ای از مفهوم‌سازی تجربه توسط ما است؛ بنابراین نظام مفهومی ما استعاری است. «استعاره مکانیسم، اصلی است که از طریق آن، مفاهیم انتزاعی را درک می‌کنیم و درگیر استدلال استعاری می‌شویم. بسیاری از مطالب از پیش‌پاافتاده‌ترین مکالمات روزمره تا پیچیده‌ترین نظریه‌های علمی فقط می‌توانند به‌صورت استعاری باشند. استعاره به ما امکان می‌دهد یک موضوع نسبتاً انتزاعی یا ذاتاً بدون ساختار را برحسب موضوعی عینی‌تر یا حداقل ساختارمندتر درک کنیم» (لیکاف، ۱۹۹۳).

همان‌گونه که ذکر شد، استعاره‌ها درک مفاهیم انتزاعی را ممکن می‌سازند. با توجه به اینکه بسیاری از مفاهیم نظام مفهومی ما (نظام دانشی روزمره) انتزاعی و بدون ساختارند، بخش عمده‌ای از نظام مفهومی استعاری است؛ و به‌تبع آن، بخشی از نظام مشترک معناسازی که به‌عنوان تعریف فرهنگ ارائه می‌شود، می‌تواند مبتنی بر درک استعاری باشد. اینکه استعاره به مثابه موضوعی نه در حیطه اندیشه، بلکه در حیطه زبان، شناخته می‌شود، با نظریه کلاسیک زبان کاملاً در تضاد است. براساس این درک از استعاره، زندگی روزمره هیچ استعاره‌ای ندارد و استعاره از سازوکارهای خارج از حیطه زبان مرسوم و روزمره استفاده می‌کند (بیچرانلو و پورعزت، ۱۳۹۲). ما تجربه‌های انتزاعی و غیرساختمند خود را بر مبنای استعاره‌ها درک می‌کنیم؛ بنابراین استعاره‌ها تجربه ما را انسجام می‌بخشند و توانایی قالب‌دهی به زندگی افراد را دارند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵). «استعاره‌هایی که در یک فرهنگ مشخص به‌منظور درک مفاهیم غیرملموس استفاده می‌کنیم، تأثیر بسزایی در چگونگی تجربه این مفاهیم در آن فرهنگ مشخص دارند... استعاره‌ها غالباً آنچه را برای ما واقعی است، تعریف می‌کنند و پیامدهای کنشی دارند» (کوچش، ۱۳۹۶: ۱۸). از طرفی، فرهنگ در قالب بافت‌های متفاوت خود، در چگونگی خلق و درک استعاره‌ها نقشی بنیادین دارد؛ بنابراین استعاره‌ها به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ در نظر گرفته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم استعاره مفهومی نظام‌مندی استعاره است که امکان درک «بعدی» از یک مفهوم را در چارچوب مفهومی دیگر فراهم می‌سازد. در استعاره فقط بر یک یا چند جنبه از مفهوم هدف، تمرکز و آن جنبه‌ها، برجسته می‌شود که در این صورت جنبه‌های دیگری از آن تجربه پنهان خواهد ماند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵). یک مفهوم استعاری، هم‌زمان توانایی برجسته‌سازی و نیز به حاشیه‌راندن جنبه‌هایی خاص از یک تجربه را دارد. برای درک بهتر جنبه‌های متفاوت از یک مفهوم هدف، به چندین حوزه مبدأ نیاز داریم که گستره هدف نامیده می‌شود. علاوه بر این، هر حوزه مبدأ، پیامدها یا استلزامات معنایی خاصی برای حوزه هدف دارد؛ چرا که فراتر از تناظرهای پایه (عناصر اصلی و سازنده درک یک مفهوم) دانش غنی و روزمره ما درباره مفاهیم مبدأ، ایده‌هایی اضافی و گسترده بر حوزه هدف می‌نگارد که در نهایت نظامی از روابط معنایی را تشکیل می‌دهد (کوچش، ۱۳۹۶).

### روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش پیش‌رو که مطالعه نحوهٔ بساخت مفهوم زن توسط فعالان زن ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام است، این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. تحلیل محتوا، در زمره روش‌های کلاسیک تحلیل داده‌های متنی به‌شمار می‌رود. موضوع اساسی در تحلیل محتوای کیفی، مشخص‌بودن پرسش تحقیق است. روش تحلیل داده‌های این پژوهش، تحلیل استعاری است. استعاره‌های استخراج‌شده در متن، با توجه به مؤلفه‌های مطرح در نظریه استعاره مفهومی تحلیل و حوزه‌های استعاری که مضامین و مفاهیم مورد نظر فعالان زن در ذیل آن‌ها چارچوب‌بندی شده‌اند، شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. با نمونه‌گیری هدفمند، پست‌های چهل فعال زن که در شبکه اجتماعی اینستاگرام صفحه شخصی دارند، برای تحلیل مفهوم‌سازی استعاری انتخاب شدند. در این نمونه‌گیری، زنان غیرکشنگر یا غیرفعال که در اینستاگرام رویکردی عمدتاً روزمره‌نگار در اینستاگرام داشته و در زمره کاربران معمولی و غیرمشهور (غیرسلبریتی) به‌شمار رفته‌اند و همچنین زنان مشهور (سلبریتی) یا تأثیرگذار (اینفلوئنسر) در اینستاگرام که در حوزه‌های گوناگون به انتشار محتوا می‌پردازند، از تحلیل کنار گذاشته شدند. در نهایت با توجه به تعریف خانیکی و بابایی (۱۳۹۱) از کنشگری مجازی که شامل «توانایی و برخورداری از اراده و قابلیت‌های کنش اجتماعی و به‌کارگیری ابزارها، نمادها و نشانه‌ها در چارچوب ارزش‌های اجتماعی و سازوکارهای موجود در فناوری‌ها، برای ارتباط متقابل است. بر این اساس، فعالیت‌هایی که کاربران با تکیه بر مهارت‌های خود در استفاده از ابزارهای ارتباطی اینترنت، برای ایجاد ارتباط، مبادله و نشان‌دادن واکنش درخور به دیگران، در راستای هدف‌های خود در فضای سایبر انجام می‌دهند، کنشگری محسوب

می‌شود». نمونه آماری این پژوهش، زنانی بودند که فعالانه و فقط در حوزه زنان به تولید و اشتراک محتوا در اینستاگرام می‌پردازند و در این زمینه شناخته‌شده هستند. نمونه تحقیق با استفاده از امکانات اینستاگرام مانند جست‌وجوی هشتگ و شناخت پیشینی از زنان کنشگر انتخاب شده است. برای آنکه محدودیت به هشتگ، تحقیق را جهت‌دار نکند، در بخش نظرهای صفحات مختلف به جست‌وجو و تحلیل حساب‌های کاربری زنان و انتخاب آن‌ها در صورت داشتن شرایط پرداخته شد.

### یافته‌های پژوهش

بخش زیادی از کاربرد روزمره استعاره، در زبان تحت‌اللفظی ما و به‌صورت ناخودآگاه صورت می‌گیرد که بخش اعظم رایج‌ترین تفکرات ما را شکل می‌دهد. استعاره‌ها مبنای عملکرد ما هستند، کنش‌های ما را ساختار می‌دهند و بر نحوه رفتار ما تأثیر می‌گذارند. از طریق استعاره، مفهوم‌سازان، دانشی را که یک چارچوب (حوزه مفهومی) دارند، به یک چارچوب دیگر انتقال می‌دهند تا به‌وسیله این نگاهت چارچوب جدید درک و توصیف شود. با مطالعه کنش‌های زبانی فعالان زن و تحلیل استعاری آنان -شامل استخراج حوزه‌های مبدائی که بر حوزه هدف زن نگاهت می‌شود و استلزامات و پیامدهای این نگاهت‌ها- می‌توان به نظام مفهومی ایشان و معانی ضمنی و پنهان زن‌بودگی دست پیدا کرد.

از میان مضامین و محتوایی که فعالان زن درباره زن‌بودگی و مفهوم زن، در شبکه اجتماعی اینستاگرام به اشتراک گذاشته‌اند، ۱۶۰ استعاره مفهومی استخراج شد. این استعاره‌های مفهومی حول سه محور عمده شکل گرفته‌اند: ۱. بازنمایی وضعیت کنونی زنان در جامعه ایرانی و گفتمان مسلط مردسالاری؛ ۲. نفی سنت‌های مردسالارانه در جامعه ایرانی و مفهوم‌سازی سلبی از زن‌بودگی؛ ۳. معنادهی به تجربه زن‌بودگی به‌صورت عمومی. استعاره‌های مفهومی در هر محور نیز در حوزه‌های مفهومی کلان‌تری طبقه‌بندی شده‌اند:

#### محور بازنمایی وضعیت کنونی زنان در جامعه ایرانی و گفتمان مسلط مردسالاری

بیشتر استعاره‌های مفهومی استخراج‌شده، درخصوص تجربه زن‌بودگی در جامعه ایرانی است. این استعاره‌ها در چهار حوزه مفهومی کلان طبقه‌بندی شده‌اند: ۱. ضعف و رنج؛ ۲. محرومیت؛ ۳. قربانی‌بودن و ستم‌دیدگی؛ ۴. بردگی و اسارت. فعالان زن به احاطه کامل گفتمان مردسالاری بر زندگی زنان ایرانی اعتقاد دارند و در مواجهه با سلطه این گفتمان، زن را محدود و از انجام هر نوع کنش و مقاومتی ناتوان می‌انگارند. استلزام و پیامد اصلی هر چهار حوزه کلان استعاری در این محور، انفعال است. زنان در این نوع مفهوم‌سازی، کاملاً بی‌اراده و منفعل‌اند. این انفعال و

بی‌اختیاری، نه خواسته‌ی زنان، بلکه شرایطی تحمیل شده بر آنان دانسته شده است. فعالان زن با برجسته‌سازی ضعف، ناتوانی و مظلومیت زنان، قصد دارند گفتمان مسلط را نقد و مسائل و مشکلات زنان ایرانی را با رویکردهای مفهومی مورد نظر خود چارچوب‌بندی کنند، اما با توجه به گستره هدف محدودی که برای زن در مفهوم‌سازی‌های فعالان زن وجود دارد و تکرار این نوع از مفهوم‌پردازی، این کلان‌روایت از زن ایرانی می‌تواند به‌نوعی خود بازتولیدکننده ضعف زنان باشد؛ اگرچه ضعف و انفعال با زن ایرانی توأم است و مرد یا سیستم مردسالار در جایگاه قدرتمندی است که می‌تواند به‌راحتی هر نوع ظلمی را بر این زنان ضعیف روا دارد.

### • حوزه مفهومی ضعف و رنج

زنان در اینجا به‌مثابه موجوداتی آسیب‌پذیر، ذاتاً ضعیف و حمایت‌خواه مفهوم‌پردازی شده‌اند. آن‌ها نیاز به حمایت و پشتیبانی دارند و باید از آنان به‌عنوان موجوداتی ضعیف مراقبت شود. این ضعف و درواقع نداشتن قدرت مقابله با جهان پیرامون، سبب زورگویی به ایشان می‌شود. زنان دائماً هدف حمله قرار می‌گیرند و باید از آن‌ها دفاع شود (حمله عموماً از طرف قوی به ضعیف صورت می‌گیرد). همچنین زنان نیاز دارند در حصار امنیتی خاصی قرار بگیرد و این نیاز ویژه به امنیت نه به‌علت کالایی ارزشمندبودن، بلکه به‌خاطر ضعیف‌تربودن زنان است.

بسیاری از استعاره‌های این حوزه، دلالتی بر ضعیف نگاه داشته‌شدن زنان ندارند، بلکه گویی ضعف موجودیت زن ایرانی را شکل می‌دهند. با نگاهی به استعاره‌های دیگر، یکی از علل ضعف زنان را می‌توان توأم‌بودن رنج با تجربه زن‌بودگی دانست. در این استعاره‌ها زنانگی با رنج همراه می‌شود و درواقع رنج‌کشیدن گویا به‌عنوان بخشی از زن‌بودگی بیان می‌شود. انسان رنجور به‌مرور ضعیف می‌شود و این ضعف و رنج توأم‌ان با یکدیگر، اساس تجربه زن‌بودگی در جامعه ایرانی است. گاهی نیز این ضعف با رنج حاصل از ضعف جسمانی که طبیعی است و عموماً مقصر انسانی نمی‌تواند داشته باشد، مفهوم‌سازی شده است. تأکید بر این نوع مفهوم‌سازی از زنان، همگام با گفتمان مسلط مردسالاری، امری موهوم به نام ضعف زنانه را طبیعی‌سازی می‌کند. مردان، مسلط و حمایت‌گر، و زنان ضعیف، حمایت‌خواه و فرودست‌اند.

به‌خاطر اینکه زن هستی، مردم عقیده‌ها و محدودیت‌هاشون رو بهت تحمیل می‌کنن. بهت می‌گن چه جور لباس بپوش، چه جور رفتار کن، با کی رفت‌وآمد کن و کجا برو (استعاره مفهومی: زن ضعیف‌تر از دیگران است).

عمده‌ترین دلیل برای تحمل خشونت خانگی که بر زنان روا می‌شود این است که اساساً جای امن‌تری وجود ندارد و ترک همین سرپناه حداقلی می‌تواند آسیب بیشتری به‌همراه داشته باشد. احساس ناامنی به جامعه، و همه‌ها و خشونت‌های آشکار و پنهان جاری در آن، بعد از

دفاع، اعتراض یا طلاق، سبب می‌شود زنانی که مورد خشونت واقع می‌شوند، سکوت کنند و خشونت موجود در خانه را بپذیرند. البته در جامعه‌ای با ارزش‌های مردسالارانه سنتی، چنین وضعیتی چندان دور از انتظار نیست (استعاره مفهومی: زن ضعیف و حمایت‌خواه است).  
من از رنج زاده شدم و تبعیض و بی‌عدالتی از کودکی رنج تبعیض جنسیتی و بی‌عدالتی را با گوشت و پوست ظریف بچه‌گانه‌ام لمس کردم (استعاره مفهومی: زنانگی رنج است).  
رنج زن‌بودن در فرهنگ‌های جهان‌سومی مانند رنج معلول‌بودن است. مردسالاری و حقیرشمردن زنان از کی آغاز گشت؟ چرا زنان نباید مانند مردان قدرت داشته باشند (استعاره مفهومی: زن ضعف جسمانی است/زنانگی رنج است).  
وقتی من به‌عنوان یک زن، در خیابان امنیت روانی ندارم (استعاره مفهومی: زن موجودی ضعیف است).

#### ● حوزه مفهومی قربانی‌بودن و ستم‌دیدگی

فعالان زن با حوزه‌های مبدائی نظیر خشونت فیزیکی، کتک‌خوردن، قربانی، شکار، مقتول، جسدی بی‌جان، غرق‌شده، شکنجه و تجاوز شده، اشکال متفاوت قربانی‌بودن و ستم‌پذیری زن را مفهوم‌سازی کرده‌اند.  
قربانی‌شدن نتیجه یک کنش خاص یا شکست فرد نیست، بلکه قربانی بدون اراده و خواست خود است و بی‌آنکه نقشی داشته باشد، آسیب می‌بیند و مظلوم واقع می‌شود. این قربانی‌بودن، در جامعه به حدی نهادینه و تثبیت شده است که حتی خود زنان به‌علت ترس از دیگران، خودشان را قربانی می‌کنند. از نظر فعالان زن در گفتمان مردسالار، پذیرش ستم‌ها معیار سلامت زن در جامعه محسوب می‌شود؛ اگرچه زنان را به‌واقع بیمار می‌کند.  
محوریت ستم و آسیب به زنان در بیشتر استعارات، تن زنانه است. پیامد این امر، بدن زنان را در جایگاهی متفاوت از بدن -قدرتمند- مردانه و در موضع سلطه‌پذیری و ضعف قرار می‌دهد؛ گویی تن زنانه وسیله‌ای برای بروز قدرت مردانه است.  
آدم‌های کثیف و بیمار همه مردان را مانند خودشان حیواناتی می‌پندارند که در ورزشگاه نیز ممکن است به زنان تجاوز کنند (استعاره‌های مفهومی: زن قربانی است/زن شکار است).  
مبارک زنانی که قربانی ناآگاهی خانواده و کودک همسری شدند، مبارک زنانی هستند که قتل‌های ناموسی دیدند (استعاره مفهومی: زن مقتول است).  
امروز به نقطه‌ای فکر می‌کنم که ادامه این سریال زنان قربانی بی‌عدالتی و نابرابری نباشم (استعاره مفهومی: زن قربانی است).

همهٔ ابعاد وجودی‌مان مانند این زن، زیر خروارها پارچهٔ سیاه مدفون شده است و ما سر تکان می‌دهیم و لبخند می‌زنیم؛ حتی اگر مانند این خانم نباشیم و به فاجعه‌ای که در آن افتاده‌ایم معترف باشیم و از دست‌های شکنجه‌گرمان ابراز انزجار کنیم، باز راه طلاق و رهایی بر ما بسته است. چهل سال است که امید بسته‌ایم شکنجه‌گرمان دست از شکنجه بردارد، ولی به همین هم نرسیده‌ایم و هر روز و هر شب تپای محکم‌تری خورده‌ایم (استعاره‌های مفهومی: زن جسد است/زن ستم‌دیده است/زن اسیر است).

همهٔ ما زن‌ها، ماهایی که به‌خاطر جنسیت‌مون عقب گذاشته شدیم، پس‌زده شدیم، توسری خوردیم، زدن تو دهنمون که بشین سر جات، حق حرف‌زدن نداری، تورو چه به درس‌خوندن، کارکردن، حرف‌زدن... صداشون رو تا خواستن گذاشتن رو سرشون واسمون، دستاشون چون سنگین بوده، کوبوندن رو سر و صورتمون و فقط شنیدیم که بشین سر خونه زندگیت، بساز، عیبه، زشته، زن باید خوددار باشه، فداکار باشه، بیخشه (استعارهٔ مفهومی: زن ستم‌دیده است).

زنان زیادی را دیده‌ام که می‌دانستند به تغییر نیازمندند، اما این تغییر را ایجاد نکردند؛ زیرا می‌هراسیدند که شخص دیگری به‌ویژه همسرشان از این تغییر خوشش نیاید. آن‌ها تصمیم گرفتند تغییر نکنند تا دیگری ناراحت نشود. پس خودشان و شادی‌هایشان را قربانی کردند (استعارهٔ مفهومی: زن قربانی است).

تعجبی ندارد که نصف زنانی که من می‌شناسم از اضطراب و افسردگی رنج می‌برند. آن‌ها زیر فشار موج انتظارات و نظرات دیگران غرق شده‌اند. به ما یاد داده‌اند که اگر دیگران از ما راضی نباشند، هیچ ارزشی نداریم (استعارهٔ مفهومی: زن جسدی غرق شده است).  
جامعه‌ای که خشم و تندخویی را جزء ویژگی‌های طبیعی مردانه به حساب می‌آورد و دختران را در فرایند جامعه‌پذیری به‌وسیلهٔ انواع فشارهای فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که این خشم و تندخویی را بپذیرند و سازش کنند تا جامعه نیز آنان را زنانی وفادار و سلامت قلمداد کند (استعارهٔ مفهومی: زن سالم، ستم‌پذیر است).

### ● حوزهٔ مفهومی اسارت و بردگی

زن در این حوزهٔ مفهومی با حوزه‌های مبدأ زندانی، برده و اسیر مفهوم‌سازی می‌شود. درواقع زنان به‌عنوان موجوداتی دربند، باید رها شوند. پیامد معنایی این حوزهٔ استعاری نیز انفعال است. زن اسیر و گرفتار، اختیاری از خود ندارد و گفتمان مردسالارانه به‌عنوان ارباب، صاحب همهٔ جنبه‌های زندگی زن به‌مثابهٔ اسیر و برده است. جامعهٔ ایران مانند یک قفس است و زنان در بند این قفس و دیگران -مردان- زندانبانان آن هستند. در این جامعه دیگر فضایی برای تحرک و

کنشگری زن باقی نمانده است. اسیربودن، دلالت بر بیرون گذاشته‌شدن از دایره قدرت دارد. زن نه‌تنها در حوزه قدرت جایی ندارد، بلکه مورد بهره‌کشی قدرت هم واقع می‌شود. در کنار اسیر که موجودیتی مستقل دارد و بنا به عواملی گرفتار شده و امید به رهایی دوباره او وجود دارد، برده درواقع موجودیتی مستقل ندارد و همه زندگی و وجود او در اختیار ارباب است. زن به‌عنوان برده به‌تمامی استثمار می‌شود و هیچ‌گونه حقی ندارد. در مقابل اسیر، زندانبان و در مقابل برده، ارباب قرار دارد که در هر دو صورت فرادست او هستند.

رهایی زنان جز با تشکلیابی میسر نیست (استعاره مفهومی: زن اسیر است).

هنوز زنان اختیار بدن و زندگی خودشونو ندارند و هنوز به ما زنا به روش‌های مختلف این پیام داده می‌شه که به‌اندازه کافی خوب نیستیم (استعاره مفهومی: زن برده است). آزادی زن، معیار آزادی جامعه است. تحقیر زن یکی از ویژگی‌های تمدن کنونی است. هیچ‌کس به‌اندازه مرد از اسارت زن مجازات نمی‌شود (استعاره مفهومی: زن اسیر است). ...چو هم‌صدا شویم و/پایه‌پای هم رویم و دست‌به‌دست هم دهیم و از ستم رها شویم/جهان دیگری بسازیم از برابری... (استعاره مفهومی: زن اسیر است). حجاب اسلامی یعنی سند بردگی زن، یعنی سند نابرابر بودن زنان و مردان، و یعنی سند تحقیر و به‌بندکشیدن زنان (استعاره مفهومی: زن برده است). راه رهایی بر ما بسته است (استعاره مفهومی: زن اسیر است).

#### ● حوزه مفهومی محرومیت

زنانگی در این حوزه، با مفاهیمی نظیر جنس دوم، کارگر بی‌مزد، سانسور شده، طرد شده و مجرم معناسازی شده است. از پیامدهای اصلی این مفهوم‌پردازی، فرودستی زنان است. از نظر فعالان زن در جامعه ایرانی، تجربه زن‌بودگی با محرومیت همراه است. زنان به‌عنوان شهروند درجه دو از یک زندگی عادی که نصیب شهروندان عادی جامعه -در اینجا احتمالاً مردان- می‌شود، محروم هستند. برخلاف حوزه ضعف و رنج، محرومیت امری ذاتی نیست و کسانی، افراد دیگر را از آنچه داشته‌اند، محروم کرده‌اند.

یکی از حوزه‌های مبدأ قابل توجه در این زمینه، مجرم‌بودن است که پیامدهای دیگری نیز با خود به‌همراه دارد. زمانی که زنانگی با جرم مفهوم‌پردازی می‌شود، گناهکاری، تنبیه و مجازات، و نیز قضاوت‌شدن، به‌صورت طبیعی با آن همراه می‌شود. مجرم، گناهکار است و باید تاوان گناهش را بپردازد. محدودیت‌ها و محرومیت‌ها می‌تواند به‌مثابه تاوان جرم در نظر گرفته شود و جایی برای اعتراض به آن نیست؛ چرا که در دید عموم اگر جرمی ثابت شود، مقصر، شخص مجرم است و حذف کردن مجرم و آثار جرم، برای سلامت جامعه امری ضروری است. از طرفی،

اگر زنانگی، جرم، گناه و معصیت است، بی‌گناهی و معصومیت می‌تواند به مردان منسوب شود. معیار رفتار درست و درواقع قانون، رفتار مردانه است.

به‌خاطر انتخاب‌های شخصی سرزنش شدند (استعاره مفهومی: زن گناهکار است).

زن سانسور می‌شه (استعاره مفهومی: زن محتوای مجرمانه است).

چقدر باید بمیریم تا زندگی کنیم؟ به جرم زن بودن (استعاره مفهومی: زنانگی جرم

است).

من و ما مثل کارگرانی هستیم که سال‌هاست حقوق نگرفتن و حالا تظاهرات کردن و خشمگینانه فریاد حق‌طلبی سرمی‌دن و برخی اونا رو تشویق به آرامش می‌کنن! من سی‌وچهارساله تو سرزمینم از حقوق ابتدایی خودم محروم (استعاره‌های مفهومی: زن کارگر بی‌مزد است/ زن شهروند درجه دو است).

#### ۱. محور نفی سنت‌های مردسالارانه در جامعه ایرانی و مفهوم‌سازی سلبی از زن‌بودگی

##### • حوزه مفهومی انسان‌بودن

برخی از مضامین برساخته درباره تجربه زن‌بودگی، سلبی است و به اینکه زن چه نیست و چه نباید باشد، می‌پردازد و کمتر رویکرد ایجابی دارد و بیشتر تجویزهایی برای زنان ایرانی است. این نوع از مفهوم‌پردازی صریحاً بر این مسئله تأکید دارد که چه حوزه‌هایی مناسب معنادهی به تجربه زن‌بودگی نیستند و نباید توأم استفاده شوند. تأکید اصلی در این حوزه، بر انسان‌بودن زنان است (استعاره مفهومی زن انسان است). فرشته‌نبودن زنان، زنانگی را به یک تجربه عادی تبدیل می‌کند. با توجه به اینکه فرشته در باور عامه مردم، موجودی ذاتاً پاک و معصوم است و عمل نامناسبی از او نمی‌تواند سر بزند، قراردادن این حوزه معنایی برای زنانگی، زنان را در جایگاه خاصی خارج از مناسبات انسانی قرار می‌دهد که نباید از آن خارج شوند؛ در غیر این صورت رفتار و منش آن‌ها گناه و خروج از قلمرو معصومیت قلمداد می‌شود. کالانگاری زنان نیز آنان را به ابژه‌هایی قابل خریدوفروش، تحت تملک و بدون اختیار تقلیل می‌دهد. همچنین حوزه‌هایی مانند سرزمین، زنان را نیازمند محافظت و بدون قدرت نشان می‌دهد. مادری و همسری نیز حوزه‌ای نیست که مورد پسند فعالان زن برای معنادهی به زن باشد. فعالان زن، از زنان می‌خواهند انسان باشند و خودشان را دارایی مردان ندانند. گاهی نیز به‌صورت فرادستانه این نوع از مفهوم‌سازی‌ها که زنان دیگر انجام می‌دهند، تحقیر می‌شود.



هیچ زنی نمی‌خواد بشنوه که زن‌ها فرشته‌اند و هیچ مادری نمی‌خواد بهشت زیر پاش باشه وقتی حضانت فرزندش رو به‌صورت قانونی نداره (استعاره مفهومی: زن فرشته نیست/ زن انسان است).

مریم میرزاخانی یک زن از میلیون‌ها زن است که زن‌بودن را در خانه‌داری، شوهرداری و بچه‌داری ندید (استعاره‌های مفهومی: زن مادری نیست/ زن همسری نیست). آنان برای هیچ‌کسی نیستند جز خودشان؛ زیرا کالا نیستند و یک انسان مستقل هستند و با هیچ‌کس جز خودشان نیز تعریف نمی‌شوند (استعاره‌های مفهومی: زن دارایی نیست/ زن کالا نیست/ زن انسان است).

انسان باشید و به «من یک زن هستم و ضعیف‌ام» پایان دهید. از ناموس خطاب‌شدن، متعلق به کسی‌بودن، تعصب و غیرتی‌شدن برای خودتان و به اسم شما، ذوق‌زده نشوید. این‌ها چندش‌ترین جملات تاریخ‌اند (استعاره‌های مفهومی: زن ضعیفه انسان نیست/ زن دارایی نیست).

زن سرزمین نیست. وی شخصیت دارد. او خلاصه در مادری و دختری نیست (استعاره‌های مفهومی: زن مادری نیست/ زن سرزمین نیست/ زن انسان است).

## ۲. محور معنادهی به تجربه زن‌بودگی به‌صورت عمومی

### • حوزه مفهومی نبرد و مبارزه

در این مفهوم‌سازی، زن‌بودن در هر کجای جهان به‌ویژه در جوامع نابرابر، به‌عنوان مبارز‌بودن است. این مبارزه، دائمی است که زنان به‌وسیله آن، حقوق از دست‌رفته خود را احیا می‌کنند. در این نوع از مفهوم‌پردازی، عموماً زنان برابری‌خواه فقط به‌عنوان مبارز مفهوم‌سازی می‌شوند. همچنین این مبارزه، اغلب رنگ تدافع و دفاع از دیگر زنان را به خود می‌گیرد. طرح مفهوم دفاع علاوه بر فعالانه‌بودن می‌تواند خود به‌معنای ضعیف‌انگاشتن زنان باشد که هدف حمله گفتمان مردسالار قرار گرفته‌اند و فعالان زن از آنان دفاع می‌کنند. مفهوم مبارزه در اینجا به‌گونه‌ای چارچوب‌بندی شده است که میدان نبرد فیزیکی را به یاد می‌آورد. مبارزه در میدان جنگ باید نمایان، ضربه‌زننده و مهلک باشد. از طرفی، فرد اگر در میدان جنگ نکشد، کشته یا اسیر می‌شود که به‌نحوی می‌توان این چارچوب مفهومی را مقوم و در امتداد چارچوب مفهومی اسارت دانست؛ به این معنا که رهایی از اسارت، مستلزم مقاومت، نبرد و مبارزه و ایستادگی تا پای جان در دفاع از برابری، وظیفه همه زنان مبارز است.

هرگاه زنی از حق خود دفاع کرد، درواقع از حقوق تمام زنان دفاع می‌کند؛ حتی اگر خودش این موضوع را نداند یا ادعای آن را نداشته باشد (استعاره مفهومی: زن مبارز/مدافع است). من سرشار از خشم، در پی انتقام از جامعه‌ای نابرابر به توزیع نیکی و بدی و عدل و انتقام نشسته‌ام و همه تلاشم را خواهم کرد که در این بین ناعادلانه قضاوت نکنم و به هیچ‌وجه در مقابل ناهلان سکوت نکنم (استعاره مفهومی: زن مبارز است).

دفاع از حقوق زنان در اذهان منجمد، یعنی دشمنی با مردان. دفاع از حقوق زنان یعنی مبارزه با مردسالاری، اگر گرفتار در کلیشه‌های مردسالاری هستید، البته که هدف مبارزه شما هستید. چنین وصله‌هایی گاهی امکان دارد شمای دغدغه‌اند را از هدف بازدارد، در چنین مواقعی نهراسید و در وادی اثبات نیافتید، تنها ارجاعشان دهید به این شعر زیبای شاملو: عدوی تو نیستم من/انکار توأم (استعاره مفهومی: زن مبارز/مدافع است).

نام او حتی یادآور تلاش و مبارزات زنان در ایران علیه جنس‌دوم‌بودن و دست‌کم‌گرفتن زنان است (استعاره مفهومی: زن مبارز است/زن جنس دوم است).

باین حال، در مناطقی دیگر، اصل سیاسی و زمینه حقوق بشری که توسط سازمان ملل متحد تعیین شده، با قدرت اجرا می‌شود و آگاهی سیاسی و اجتماعی امیدوارکننده‌ای از مبارزات زنان در سراسر جهان به ارمغان می‌آورد. سازمان ملل هم از سال ۱۹۷۷ این روز را به‌عنوان «روز حقوق زنان و صلح بین‌المللی» به رسمیت می‌شناسد (استعاره مفهومی: زن مبارز است).

پاشید و برای بقیه زندگی تون بجنگید و بسازیدش. پاشید و بشید اون کسی که بتونید انگیزه یکی مثل خودتون باشید (استعاره مفهومی: زن جنگجو است).

با همه شورشگری‌های زنانه‌ام، این داستان تکراری همه زنان و دختران است (استعاره مفهومی: زنانگی شورش است).

زنی که می‌خواهد انسان و زن باشد، باید بجنگد تا خود را اثبات کند (استعاره مفهومی: زن مبارز است).

#### ● حوزه مفهومی طبیعت

عناصر طبیعت که فعالان زن در مفهوم‌سازی تجربه زن‌بودگی از آن بهره می‌برند، عموماً بر توانمندی زنان اشاره دارد. گیاه، رودخانه و چشمه با کانون معنایی پیش‌روندگی، حوزه‌های مبدأ این طبقه را شامل می‌شوند. گیاهی که زنان خود را به وسیله آن مفهوم‌سازی می‌کنند، برخلاف تصور عموم «گل» نیست، بلکه به‌خاطر تنومندی و ایستادگی، درخت، و به‌دلیل روندگی و

درب‌گرفتن محیط پیچک است. همچنین جوانه‌زدن از زیر خاک و جوشیدن چشمه نیز با وجود همه موانع پیش‌رو، بر حرکت زنان دلالت دارد.

چون از رد شدن زنان از سد اجبار و رسیدن به آزادی می‌ترسند (استعاره‌های مفهومی: **زن رودخانه است/زن اسیر است**).

در جامعه مردسالار موانع بسیاری برای رشد فکری و اجتماعی زنان است (استعاره مفهومی: **زن گیاه است**).

روز زن، مبارک‌زناپی که به‌خاطر انتخاب‌هاشون مجبور به ترک شدن... گلشسته‌ها، زهرا امیرابراهیمی‌ها و هما و نسرين ستوده و مهرانگیزها و اونایی که هرگز اسمشون سر زبونا نیفتاد، ولی این راه رو سبز کردن (استعاره مفهومی: **زن گیاه است**).

از زیر خروارها خاک جوانه می‌زنم (استعاره مفهومی: **زن گیاه است**).

#### • حوزه مفهومی راه و مسیر

این حوزه مفهومی، تجربه زن‌بودگی به‌ویژه زن مبارز بودن را به‌عنوان یک مسیر در نظر می‌گیرد که باید طی شود تا به مقصد برسد. مقصد این مسیر، رهایی است و در این مسیر، موانع زیادی قرار دارد. گاهی توقف لازم است و گاهی ممکن است از مسیر منحرف شود، اما زن بودن اساساً روبه‌جلو پیش‌رفتن است.

هنوز کلیشه‌ها جلوی پیشرفت و آرزوهای بزرگ زنان را می‌گیرند (استعاره مفهومی: **زن بودگی یک مسیر است**).

راه، بس طولانی و بس سخت است، اما ناامیدی در این روز معنایی ندارد. عزم‌تان را جزم کنید و از امروز تا هشت مارس سال دیگر، برای آگاهی خود و دیگران از حقوق برابر تلاش کنید (استعاره مفهومی: **زن‌بودگی یک مسیر است**).

هنوز راه‌های نرفته بسیاری پیش‌روی ما مانده است؛ چرا که اوضاع برای ما زنان با صدسال پیش هم چندان فرقی نکرده (استعاره مفهومی: **زن بودگی یک مسیر است**).

خیلیامون خیلی وقته دارن تلاش می‌کنن برای برابری؛ برای هموار کردن راهمون (استعاره مفهومی: **زن بودگی یک مسیر است**).

## نتیجه‌گیری

براساس تحلیل پست‌های فعالان زن در شبکه اجتماعی اینستاگرام، این فعالان، زن را در سه محور اصلی و هشت حوزه مفهومی کلان ضعف و رنج، محرومیت، قربانی بودن و ستم‌دیدگی، بردگی و اسارت، انسان بودن، نبرد و مبارزه، طبیعت، و راه و مسیر مفهوم‌سازی استعاری می‌کنند. در محور بازنمایی زن ایرانی در جامعه کنونی، کانون معنایی انفعال در محور مفهوم‌سازی سلبی، کانون معنایی انسان بودن زن در محور مفهوم‌سازی عمومی زن و کانون معنایی مبارز بودن است.

همان‌طور که ذکر شد، هر حوزه هدف به چندین حوزه مبدأ وصل می‌شود که گستره هدف نامیده می‌شود و به علت کارکرد برجسته‌سازی و پنهان‌سازی ناگزیر استعاره‌های مفهومی، گستره هدف، امری مهم و حیاتی است، گویندگان برای فهم جنبه‌های متفاوت یک مفهوم، نیازمند چندین حوزه مبدأ هستند تا بتوانند به فهمی نسبتاً همه‌جانبه از مفهوم برسند.

از طرفی، ما با زبان، واقعیت را می‌سازیم و از ابزارهای اصلی این امر، مفاهیم هستند. وقتی معنای جدیدی برای مفاهیم خلق نکنیم، انگار واقعیتی خلق نشده است. با نگاهی به چگونگی مفهوم‌سازی فعالان زن، می‌توان پی برد زن‌بودگی برای آن‌ها مفهومی پویا نیست و بستر معنایی خاصی را شامل می‌شود که عموماً حول انفعال و فرودستی است. گستره هدف استعاری زن برای فعالان زن بسیار محدود و این محدودیت مفهوم‌سازی موجب برجسته‌سازی جنبه‌هایی خاص از تجربه زن‌بودگی است. پیامد مفهوم‌سازی فعالان زن می‌تواند بازتولید ضعف زنان باشد. از نکات مهم در محور بازنمایی وضعیت زن در جامعه کنونی ایران که بیشترین استعاره‌های استخراج‌شده را شامل می‌شود، تک‌صدایی و نادیده‌گرفتن تجارب مختلف زنان ایرانی است. تنها، ضعف، فرودستی و انفعال زن ایرانی برجسته شده است. از این منظر، در جامعه ایرانی هیچ فضایی برای مقاومت و کنشگری زنان نیست، زنان به‌عنوان اسیر در قفس زندگی می‌کنند و تنها راه مبارزه، از نوعی است که فعالان زن در نظر دارند.

یکی از ویژگی‌های مهم رسانه‌های اجتماعی و به‌طور خاص، شبکه‌های اجتماعی، فراهم کردن نوعی از تعامل و گفت‌وگو میان طیف‌های گوناگون مردم است. با توجه به دامنه بسیار محدود حوزه مبدأ، مفاهیم استعاری که زنان فعال یا کنشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام، با هدف انگاره‌سازی درخصوص حوزه هدف زن استفاده می‌کنند، به‌نظر می‌رسد کنشگران فعال در حوزه زنان، در حال از دست دادن این فرصت هستند؛ چه اینکه هرگونه تغییر و تأثیرگذاری، از پایین به بالا بوده است و با آگاهی عامه مردم صورت می‌گیرد. تا وقتی وارد

گفت‌وگو با عموم زنان از اقشار و گروه‌های اجتماعی گوناگون پایین شامل زنان خانه‌دار یا زنان دارای سواد دیجیتالی نشویم و ادراک آن‌ها از زن‌بودگی را نادیده بگیریم یا حتی تحقیر کنیم و در نهایت اگر درک متقابل صورت نگیرد، مشکل بتوان گامی در راستای بهبود اوضاع زنان ایرانی و تغییر در گفتمان مردسالار جاری در جامعه ایرانی برداشت. نمی‌توان به یکباره همه تاکتیک‌های زنان عامه را تحقیر و رد کرد، و فریب گفتمان مردسالاری به‌شمار آورد و در مقابل، هیچ جایگزینی برای آن‌ها ارائه نداد. این امر علاوه بر اینکه سبب فشار مضاعف به زنان خواهد شد، آن‌ها را به هرگونه کنشگری بدبین خواهد کرد.



## منابع

- ابوعلی شبانی، محبوبه (۱۳۸۸). استعاره‌های مفهومی و جنسیت در بافت ایرانی یک رویکرد زبان‌شناسی شناختی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه ایلام.
- بارکر، کریس (۱۳۹۶). *مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد*. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بر، ویوین (۱۳۹۵). *برساخت‌گرایی اجتماعی*. ترجمه اشکان صالحی. تهران: نی.
- بیچرانلو، عبدالله و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۲). کارکردها و کژکارکردهای بازگشت معنایی استعاره‌ها؛ مطالعه موردی مفهوم میان‌رشته‌ای مهندسی فرهنگی. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۳(۱۹)، ۱۰۱-۱۲۱.
- خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۱). تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵۶، ۷۳-۱۱۶.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی). *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۶۰، ۱۵۱-۱۷۶.
- طالبیان، حامد و طالبیان، سارا (۱۳۹۶). زنان و کنشگری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: صفحه فیس‌بوکی «آزادی یواشکی زنان»). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۲، ۲۰۵-۲۲۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۶). *قدرت ارتباطات*. ترجمه حسین بصیریان. تهران: علمی و فرهنگی.
- کرافت، ویلیام و کروز، آلن (۱۳۹۸). *زبان‌شناسی شناختی*. ترجمه جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۴). *استعاره در فرهنگ؛ جهانی‌ها و تنوع*. ترجمه نیکتا انتظام. تهران: سیاه‌رود.
- کوچش زولتان (۱۳۹۵). *زبان، ذهن و فرهنگ*. ترجمه جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- کوچش زولتان (۱۳۹۶). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره*. ترجمه جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- کوچش زولتان (۱۳۹۶). *استعاره، مقدمه‌ای کاربردی*. ترجمه جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- گیررتس، دیرک (۱۳۹۳). *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*. ترجمه کوروش صفوی. تهران: علمی.
- لانگاکر، رونالد (۱۳۹۷). *مبانی دستور شناختی*. ترجمه جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۳۹۵). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقابراهیمی. تهران: علم.
- مرکز پژوهشی بتا (۱۴۰۰). *محبوب‌ترین و پرآستفاده‌ترین شبکه اجتماعی میان کاربران ایرانی چیست؟ قابل دسترسی در:*

<http://beta-co.ir/%d9%85%d8%ad%d8%a8%d9%88%d8%a8%e2%80%8c-%d8%aa%d8%b1%db%8c%d9%86-%d9%88-%d9%be%d8%b1-%d8%a7%d8%b3%d8%aa%d9%81%d8%a7%d8%af%d9%87%e2%80%8c-%d8%aa%d8%b1%db%8c%d9%86-%d8%b4%d8%a8%da%a9%d9%87%e2%80%8c/>

مسعودی، امیدعلی (۱۳۹۹). فهم کنش زنان کنشگر کمپین «چهارشنبه‌های سفید» (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی اینستاگرام، ۱۳۹۷). *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۰۱، ۱۲۳-۱۴۲.  
ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۹۷). *پژوهش‌های فلسفی*. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: مرکز.  
هال، استوارت (۱۳۹۱). *معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نی.

- Koo, G. Y. (2016). To be myself and have my stealthy freedom: The Iranian Women's Engagement with social media. *Revista de estudios internacionales mediterráneos*.
- Lakoff, G. (1993), The contemporary theory of metaphor, In *Metaphor and thought*. Ortony, Andrew (ed), New York: Cambridge University Press. pp. 202– 251.
- Ahmed, U. (2018). Metaphor in the construction of gender in media discourse: analysis of metaphors used to describe women in Nigerian newspapers. *International Journal of ee ndea and Woee nss Suds*, 6(1), 88-99.
- Zubair, S. (2007). Silent birds: Metaphorical constructions of literacy and gender identity in women's talk. *Discourse Studies*, 9(6), 766-783.
- Statista (2022). *Countries with the highest number of internet users 2022*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/262966/number-of-internet-users-in-selected-countries/>
- Statista (2022). *Most popular social networks worldwide as of January 2022, ranked by number of monthly active users*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/272014/global-social-networks-ranked-by-number-of-users/>